



از روزی که انقلاب اسلامی ایران طلسم چندین هزارساله سلطنت و شاهنشاهی در ایران را شکست و بدینوسیله دست آمریکا و شرکای او را از غارت اموال عمومی و تحمیل سیاستهای استثمار بر کشور کوتاه کرد واکنشهای موزیانه و خرابکارانه این دشمنان و نظام صهیونیسم آغاز گردید.

گرچه طرحهای براندازانه آنها شکست خورد و سیاستهای نرم آنان نیز به جایی نرسید، اما تنها دستاوردی که دشمنان ما در آن شکست نخوردند و تا حدودی توانستند از آن به برخی از اهداف خود - از جمله ایجاد نارضایتی در مردم از طریق تورم و گرانی و... - دست یابند، پدیده‌های ضد مردمی پنهان یا آشکاری بود که سبب آن سوء مدیریت دولتها و بی‌اعتنایی به اصول و قواعد کشورداری بود، که سبب گردید دست افراد نفوذی مزدور را بازگذارند تا با استفاده از امکانات و بودجه دولتی، به مصالح ملی صدمه بزنند و آستانه تحمل و بردباری مردم را پایین بیاورند، تا بسا - بنظر آنان - جامعه بر ضد نظام اسلامی برخیزد و هدف اصلی دشمن - یعنی ولایت فقیه - را، که رمز استقلال کشور است، تضعیف کنند. اما بیاری خداوند قهار، تیر آنها به سنگ خورده است.

حوادثی که در این ایام در ایران اتفاق افتاده، یعنی شهادت آقای رئیسی (رئیس‌جمهور سابق) و هیئت همراه و نیز شهادت ابراهیم هنیه فلسطینی در تهران، نمونه‌یی از تلاشهای

دشمنان برای وارد کردن آسیبهای مادی و معنوی به این ملت میباشند، تا با بهره‌گیری از ضعفهای کشور، شرایطی را که برای آن بیش از چهار دهه تلاش کرده و انتظار کشیده‌اند، فراهم آورد و از طریق دولتهایی که به روی کار می‌آورند، به اهداف خود برسند.

ضعفهایی که به آن اشاره کردیم سه‌گونه‌اند: اول، ناآگاهی عامه مردمی که پای صندوق رأی میروند و غث و سمین را نمیشناسند. دوم، ضعف یا کوتاهی دستگاههای هشداردهنده جامعه و حکومت، از اینکه کارشناسان نقاط ضعف کشور را تشخیص دهند و به مسئولین عالی برسانند. سوم، مدیریت سیاسی کشور که باید همواره بر ضعفها و قوتها ناظر باشند و با شیوه رایج حکومت کردن در جهان، و بدون تسامح یا بیمبالاتی، به فکر چاره باشد، و فساد و برهم زدن نظم عمومی و قانونشکنی را تحمل ننماید.

نمونه‌یی از بیمبالاتی و تسامح بیمنطق و دور از حکمت در امروز جامعه ملی، رواج آرام بیحجابی زنان فاسد و غریزه در کشور است که بصراحت نقض قانون و مصداق ایجاد بینظمی، و نیز مقابله با آیین رسمی کشور میباشد. این پدیده، یعنی وقوع جرم با وجود قانون و حضور دستگاههای اجرایی، نمونه بسیار نادری در حکومتهای جهان است و ظهور آن از کوتاهی یا نقصان مدیریت کشور حکایت دارد.

این پدیده و امثال آن را دشمنان بمعنی آمادگی کشور به تغییر سیاسی و اعتقادی میفهمند و در کار مبارزه با انقلاب اسلامی ایران تشویق میشوند. عقل و حکمت و منطق و تجربه حکم میکند که دستگاه حکومتی کشور قدری به خود بیاید و هرچه زودتر و جدیتر، نظم عمومی را در سایه قانون برپا نماید و بیاری خداوند متعال و دلسوزان انقلاب، قانونشکنان را به مجازات برساند و کشور را از این نابسامانی و ذلت برهاند.

والله هوالناصر.

فرمانبر